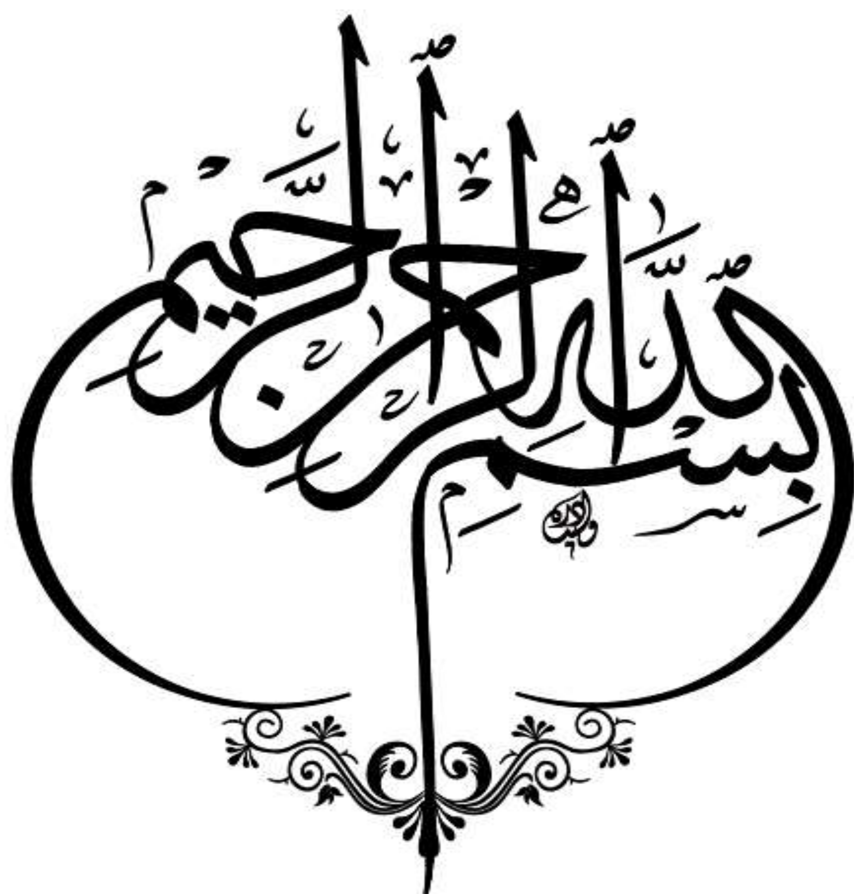

بسم الله الرحمن الرحيم



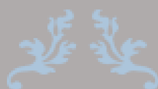
تقدیم به:

سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمّه ی دور زمان،

حضرت محمد مصطفی ﷺ

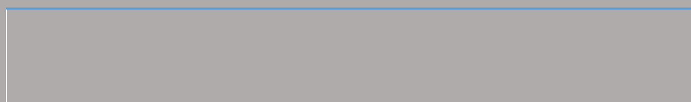
منزلت سنت و روایت

نگاهی به جایگاه و اعتبار سنت و روایت از منظر عقل و شرع



نویسنده:

حسین قربانی دامنابی





نام کتاب: منزلت سنت و روایت

نویسنده: حسین قربانی دامنابی

صفحه آرایی: حسین قربانی دامنابی

طراحی جلد:

نوبت و سال چاپ:

قطع کتاب: وزیری

شمارگان:

شابک

قیمت:

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

مقدمه

«بار الها، بر محمد بنده و پیامبرت درود فرست همچنان که پیام تو را رساند، و دستور و فرمانت را آشکار ساخت، و خیرخواه بندگانت بود.

بارالها، پیامبر ما را ﷺ در عرصه قیامت مقرّب‌ترین پیامبران در محضرت قرار ده، و قدرتش را از نزد خودت بر شفاعت از همه بیشتر کن، و مقام و منزلتش را نزدت والاترین، و مکانتش را آبرومندترین قرار ده.

بارالها، بر محمد و آلش درود فرست، و بنیادش را والایی ده، و برهانش را بلند و قوی ساز، و میزانش را سنگین کن، و شفاعتش را بپذیر، و وسیله‌اش را نزدیک کن، و رویش را سپید، و نورش را کامل، و درجه‌اش را بلند ساز، و ما را بر سنت او زنده بدار، و بر آیینش بمیران، و رهسپار راه او گردان، و پیماینده طریق واضحش ساز، و از مطیعان او قرار ده، و در زمره اش محشور فرما، و به حوض او وارد کن، و از جامش سیرابمان گردان.»[1]

مسلمانان بعد از وفات رسول خدا ﷺ در طول این ۱۴ قرن، در عین قبول داشتن قرآن واحد، در آنچه از رسول خدا ﷺ رسیده، اختلاف نمودند و دچار چند دستگی و افتراق شدند و کتاب ها علیه هم نوشتند و خونها از یکدیگر ریختند. تا اینکه فرقه ای پیدا شد که راه حل رفع این چند دستگی را در قرآن بسندگی و پشت کردن به سنت نبوی یافت، غافل از اینکه این کار، اولا: خودش پشت کردن به آیات کثیری از قرآن است که سنت نبوی را مورد تأیید و مورد نیاز می داند. ثانیا: دینِ بدون سنت، دینی بسیار ناقص می شود که حتی چگونگی نماز خواندن را نیز نمی توان در آن یافت. و ثالثا مفهوم بسیاری از آیات قرآن نیز در هاله ای از ابهام قرار میگیرد؛ چرا که فهم آنها بدون کمک گرفتن از روایات تفسیری و شأن نزول، ناشدنی است و لذا دعوت به شعار قرآن بسندگی نیز خود مزید بر اختلاف و چند دستگی امت اسلام است.

---

[۱] صحیفه سجادیه، نیایش ۴۲

به نظر ما راه برون رفت از این اختلافات را باید در همان سنت نبوی و در بررسی سر منشأ آن که جریان سقیفه و موضوع جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است جستجو کرد و این نیز میسّر نمی شود مگر با کنار گذاشتن تعصبات و پیش فرض های ذهنی.

ما برای تحقق این امر، با استناد به مدارک معتبر اهل سنت، کتاب های جامعی در خصوص عدالت صحابه، شخصیت خلفای سه گانه، موضوع غصب فدک و شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام، امامت از منظر عقل، قرآن و روایات نبوی، امامت و خلافت بلافصل حضرت علی علیه‌السلام در قرآن و روایات معتبر اهل سنت، تطابق باورهای مهدوی و... نگاشتیم؛ اما همواره یک خلأ مهمی احساس میشد و آن هم لزوم اثبات حجیت سنت نبوی و روایات بود؛ چرا که هرگاه مخالفین، در رد روایات مورد استدلال ما از نظر سندی و دلالی عاجز شوند، سنت را از بیخ منکر شده و به قرآن بسندگی پناه می برند.

عده ای از مسلمانان نیز هستند که با وجود قبول داشتن سنت، راه دریافت آن را که همان روایات است، مورد قبول نمی دانند و از این رو آنان نیز به قرآن بسندگی روی می آورند.

ما در این کتاب، در دو بخش به اثبات حجّیّت سنت و روایات از منظر عقل و شرع پرداخته ایم.

امید است که این اثر موجب جلب رضایت پیامبر عزیزمان حضرت مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله گردد.

راه های ارتباط با ما:

http://vesayat.blog.ir Vesayat@gmail.com ID: @Vesayat

بخش اول: حجیت سنت

سنت در کنار قرآن، یکی از دو منبع اخذ شریعت در نزد شیعه و سنی محسوب می شود که برای اثبات حُجّیّت آن، ادله ی فراوانی از عقل، قرآن و سنت می توان ارائه داد که در ادامه مطرح می کنیم.

حجیت سنت از منظر عقل

با مراجعه به عقل سلیم در می یابیم که حجیت سنت را مورد تایید قرار می دهد که به ذکر سه دلیل عقلی اکتفا می کنیم.

دلیل اول: تعطیل شدن دین و نقص قوانین شرعی

قول به عدم اعتبار سنت رسول خدا ﷺ مستلزم تعطیل دین و نقص قوانین شرعی است؛ زیرا قرآن در بسیاری از موارد به جزئیات نپرداخته و به طرح اصل مطلب اکتفا کرده است؛ مثلا گفته است : نماز را بر پا دارید و یا زکات را بپردازید؛ اما نگفته است به چه کیفیتی؟ لذا دین بدون سنت، مانند شیر بی یال و دم اشکم خواهد بود که در بسیاری از مسائل، ساکت بوده و حرفی برای گفتن ندارد.

دلیل دوم: عصمت رسول خدا ﷺ

اجماعی است که عقلا رسول خدا ﷺ باید لااقل در امر دین معصوم باشد؛ پس وقتی که چنین باشد، هر آنچه از فرمایشات و عملکردشان که مرتبط با دین باشد، حجت می شود.

دلیل سوم: تفرقه ی مسلمانان در عین قبول داشتن قرآن

همه ی مسلمانان قرآن را قبول دارند، اما هر یک آن را به نفع خودش تفسیر می کند؛ پس لازم است که تفسیر واقعی قرآن را خدا ارائه بدهد تا مردم دچار گمراهی و تفرقه نشوند و راه راست را از بیراه بشناسند که این همان سنت نبوی است.

حجیت سنت در قرآن

با نگاهی کلی به آیات قرآن کریم روشن می شود که یک آیه زمانی مستقلا حجیت می یابد که آیه ای مخالف آن در قرآن وجود نداشته باشد؛ به عبارت دیگر: آیات به ظاهر ضد و نقیض را باید در کنار هم دید و آنها را جمع کرد.

به نمونه هایی از آیات به ظاهر ضد و نقیض، ولی قابل جمع قرآن توجه کنید:

شفا و درمان از خداست: ﴿وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ.﴾[1]

امّا همین شفا را خداوند در عسل قرار داده است: ﴿فِيهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ.﴾[2]

هر چند خداوند کارها را تدبیر مي کند: ﴿يُدَبِّرُ الأمْرَ.﴾[3]

امّا فرشتگان واسطه تدبیر او هستند: ﴿فَالْمُدَبِّراتِ أَمْراً.﴾[4]

هر چند خداوند جان ها را می گیرد: ﴿اللّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ.﴾[5]

امّا به وسیله ی ملک الموت جان ها را می گیرد: ﴿يَتَوَفّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ.﴾[6]

هر چند خداوند مردگان را زنده می کند: ﴿وَ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ.﴾[7]

ولی حضرت عیسی ؈ هم به اذن خدا مرده زنده می کند: ﴿أُحْيِ الْمَوْتى بِإِذْنِ اللَّهِ.﴾[8]

با اینکه خداوند بادها را جابجا می کند: ﴿اللَّهُ الَّذي يُرْسِلُ الرِّياحَ.﴾[9]

ولی آن را به تسخیر سلیمان نبی ؈ در می آورد: ﴿فَسَخَّرْنا لَهُ الرِّيحَ تَجْري بِأَمْرِهِ رُخاءً حَيْثُ أَصابَ.﴾[10]

---

[۱] شعراء: ۸۰
[۲] نحل: ۶۹
[۳] یونس: ۳
[٤] نازعات: ۵
[۵] زمر: ۴۲
[٦] سجده: ۱۱
[۷] آل عمران: ۱۵۶
[۸] آل عمران: ۴۹
[۹] روم: ۴۸
[۱۰] ص: ۳۶

درست است که خداوند عالم الغیب است: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا.﴾[۱]

ولی مقداری از آن را به فرستاده هایش می دهد: ﴿إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ.﴾[۲]

اگر چه خداوند هدایت می کند: ﴿أَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ.﴾[۳]

ولی پیامبر هم هدایت می کند: ﴿إِنَّكَ لَتَهْدي إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.»[٤]

و امامان هم هدایت می کنند: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا.﴾[٥]

اگر چه عزت کلا از آن خداست: ﴿فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...﴾[٦]

ولی برای رسول و مومنین نیز می باشد: ﴿وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ... ﴾[٧]

و ختم کلام را اختصاص می دهیم به آیات روشن قرآن:

اگرچه آیات قرآن روشن هستند: ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ... .﴾[۸]

اما فقط برای عده ی خاصی از بندگان خدا که از علم خدادادی برخوردارند، این آیات روشن هستند:

﴿ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ... .﴾[۹]

«بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه های کسانی است که علم [الهی] یافته‌اند.»

و تنها فرستادگان خدا می توانند با این آیات روشن، مردم را هدایت کنند:

﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ... .﴾[۱۰]

«او کسی است که بر بنده خود آیات روشنی فرو می‌فرستد، تا شما را از تاریکیها به سوی نور بیرون کشاند.»

---

[۱] جن: ۲۶
[۲] جن: ۲۷
[۳] حج: ۱۶
[٤] شوری: ۵۲
[٥] انبیاء: ۷۳
[٦] فاطر: ۱۰
[۷] منافقون: ۸
[۸] بقره: ۹۹
[۹] عنکبوت: ۴۹
[۱۰] حدید: ۹

﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.﴾[۱]

«رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد.»

در ادامه به چند دسته از آیات قرآن اشاره می کنیم:

اول: دسته ای که عمومیت هدایت گری قرآن را نفی می کنند.

دوم: دسته ای که به امکان گمراه کنندگی قرآن اشاره دارند.

سوم: دسته ای که به نیازمندی به رسولان در کنار کتاب الهی برای هدایت اشاره دارند.

چهارم: دسته ای که به نیازمندی قرآن به رسول اشاره دارند.

پنجم: دسته ای که به وجوب اطاعت از رسول اشاره دارند.

ششم: دسته ای که به حجیت سنت به طور مستقل اشاره دارند.

هفتم: دسته ای که به مقام های متعدد رسولان (نه فقط پیام رسانی) اشاره دارند.

---

[۱] طلاق: ۱۱

دسته ی اول: آیاتی که عمومیت هدایتگری قرآن را نفی می کنند

آیه ی اول:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ﴾ «= آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است.»[۱]

آیه ی دوم:

﴿وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ «= ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیّتی است که ایمان می‌آورند.»[۲]

آیه ی سوم:

﴿طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ، هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴾ «= طس - این آیات قرآن و کتاب مبین است. وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است.»[۳]

آیه ی چهارم:

﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ، هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ﴾ «= این آیات کتاب حکیم است. مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است.»[٤]

دسته ی دوم: آیاتی که به امکان گمراه کنندگی قرآن اشاره دارند

آیه ی اول:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۖ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا ۘ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا ۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ .﴾[٥]

«خداوند از این که به (موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان؛ و اما آنها که راه کفر را پیموده‌اند، (این موضوع را بهانه کرده) می‌گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری،)

---

[۱] بقره: ۲

[۲] اعراف: ۵۲

[۳] نمل: ۱و۲

[٤] لقمان: ۲و۳

[٥] بقره: ۲۶

خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد.»

آیه ی دوم:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۖ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۗ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ.﴾[1]

«او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می‌باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می‌گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال فهم و درکِ اسرارِ همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی می گردند،) می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگارِ ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند.»

آیه ی سوم:

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ۙ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا = و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.﴾[2]

آیه ی چهارم:

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ.﴾[3]

«و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم ، کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشهایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت)

---

[۱] آل عمران: ۷

[۲] اسراء: ۸۲

[۳] فصلت: ۴۴

است؛ آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.»

دسته ی سوم: آیاتی که به نیازمندی به رسولان در کنار کتاب الهی اشاره دارند

آیه ی اول:

﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ «= و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم؛ تا هدایت شوید.»[۱]

آیه ی دوم:

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.﴾[۲]

«پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی.»

دسته ی چهارم: آیاتی که به نیازمندی قرآن به رسول اشاره دارند

آیه ی اول:

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ.﴾[۳]

«چنان که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما تلاوت کند و [از زشتی‌ها] پاکتان سازد و کتاب و حکمتتان بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید تعلیمتان دهد.»

آیه ی دوم:

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.﴾[٤]

---

[۱] بقره: ۵۳
[۲] بقره: ۱۲۹
[۳] بقره: ۱۵۱
[٤] آل عمران: ۱۰۱

«و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامان وحی قرار گرفته‌اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابر این، به خدا تمسّک جویید!) و هر کس به خدا تمسّک جوید، به راهی راست، هدایت شده است.»

آیه ی سوم:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ ۚ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا .﴾[۱]

«ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی.»

آیه ی چهارم:

﴿ الر ۚ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ .﴾[۲]

«الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها به سوی روشنایی بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید.»

آیه ی پنجم:

﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.﴾[۳]

«رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد.»

آیه ی ششم:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ .﴾[٤]

«و ما این ذکر را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند.»

---

[۱] نساء: ۱۰۵
[۲] ابراهیم: ۱
[۳] طلاق: ۱۱
[٤] نحل: ۴۴

آیه ی هفتم:

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۙ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ .﴾[۱]

«ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند.»

آیه ی هشتم:

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ، فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ «= که آن، قرآن کریمی است، که در کتاب محفوظی جای دارد ، و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست یابند.»[۲]

مراد از مطهرون هم اهل بیت علیهم السلام هستند که در آیه ی تطهیر به آن تصریح شده است:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ «= خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.»[۳]

و این تفسیر ، کاملا منطبق بر آن آیه ای است که علم قرآن را منحصر به اشخاصی می داند که به آنها علم الهی داده شده است:

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ «= بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه‌های کسانی است که علم [الهی] یافته‌اند.»[٤]

و بدینوسیله ﴿ تِبياناً لِكُلِّ شَيْءٍ ﴾ بودن قرآن و اینکه هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه در قرآن مسطور است، معنا پیدا می کند:

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ۖ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ ۚ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ .﴾[۵]

«و روزی که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرارمی‌دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.»

---

[۱] نحل: ۶۴

[۲] واقعه: ۷۷-۷۹

[۳] احزاب: ۳۳

[٤] عنکبوت: ۴۹

[۵] نحل: ۸۹

﴿وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ .﴾[1]

«و کلیدهای خزائن غیب نزد اوست، کسی جز او بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را می‌داند و هیچ برگی از درخت نمی‌افتد مگر آنکه او آگاه است و نه هیچ دانه‌ای در زیر تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی، جز آنکه در کتابی مبین مسطور است.»

و البته قرآن در آیه دیگر تصریح کرده است که علم اینها در نزد امام است:

﴿ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ .﴾[2]

« آری! همین ماییم که همواره مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و (نیز) آثارشان را ثبت و ضبط می‌کنیم و هر چیزی را در پیشوا و امامی روشنگر برشمرده‌ایم.»

دسته ی پنجم: آیاتی که به وجوب اطاعت از رسول اشاره دارند

آیه ی اول:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.﴾[3]

«بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است.»

آیه ی دوم:

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ «= بگو: «از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.»[4]

آیه ی سوم:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ «= و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید.»[5]

---

[۱] اعراف: ۵۹

[۲] یس: ۱۲

[۳] آل عمران: ۳۱

[٤] آل عمران: ۳۲

[٥] آل عمران: ۱۳۲

آیه ی چهارم:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. ﴾[۱]

«اینها مرزهای الهی است؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است!»

آیه ی پنجم:

﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ . ﴾[۲]

«و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.»

آیه ی ششم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. ﴾[۳]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.»

آیه ی هفتم:

﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۖ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ «= کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و کسی که سرباز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم.»[٤]

آیه ی هشتم:

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ ۖ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا ۚ وَمَا

---

[۱] نساء: ۱۳

[۲] نساء: ۱۴

[۳] نساء: ۵۹

[٤] نساء: ۸۰

عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ .﴾[۱]

« بگو: خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! امّا اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست.»

آیه ی نهم:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا .﴾[۲]

«هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.»

آیه ی دهم:

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ «= و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است.»[۳]

آیه ی یازدهم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾ «= ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید.»[٤]

آیه ی دوازدهم:

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا .﴾[۵]

«و هر کس خدا و رسولش را اطاعت نماید، او را در باغهای (از بهشت) وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است؛ و آن کس که سرپیچی کند، او را به عذاب دردناکی گرفتار می‌سازد.»

---

[۱] نور: ۵۴
[۲] احزاب: ۳۶
[۳] احزاب: ۷۱
[٤] محمد: ۳۳
[۵] فتح: ۱۷

آیه ی سیزدهم:

﴿وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ «= و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند، خداوند، آمرزنده مهربان است.»[۱]

آیه ی چهاردهم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا.﴾[۲]

«کسانی که خدا و پیامبرانِ او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند.»

﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ «= آنها کافران حقیقی‌اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم.»[۳]

و چقدر زیبا این دو آیه ی فوق ، قرآن بسندگان را وصف می کند.

دسته ی ششم: آیاتی که به حجیت سنت به تنهایی اشاره دارند

آیات دسته ی پنجم در وجوب اطاعت از رسول ، خود بیانگر حجیت سنت به تنهایی هستند ؛ اما آیاتی نیز وجود دارند که با صراحت بیشتری این مطلب را بیان می کنند ؛

آیه ی اول:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.﴾[٤]

« ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا برای آنها آشکار سازد؛ سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند؛ و او توانا و حکیم است.»

---

[۱] حجرات: ۱۴

[۲] نساء: ۱۵۰

[۳] نساء: ۱۵۱

[٤] ابراهیم: ۴

آیه ی دوم:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ «= و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»[۱]

آیه ی سوم:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ .﴾[۲]

«آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.»

اگرچه ابتدای این آیه از غنایم صحبت می کنند ؛ اما حکم این قسمت از آیه مطلق است و محدود به بحث غنائم نیست.

دسته ی هفتم: آیاتی که به مقام های متعدد رسولان اشاره دارند

بر خلاف ادعای برخی گمراهان که نقش حضرت رسول ﷺ را در حد یک پستچی می دانند که تنها وظیفه اش رساندن قرآن بود، قرآن کریم نقش ها و وظایف متعددی را برای پیامبران و به خصوص آن حضرت می شمارد:

یکم: مفسر کتاب خدا

در دسته ی چهارم، آیات مربوط به آن را آوردیم.

دوم: تلاوت کننده آیات الهی

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ.﴾[۳]

«همان‌گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم،) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.»

---

[۱] نجم: ۳و۴

[۲] حشر: ۷

[۳] بقره: ۱۵۱

سوم: تعلیم دهنده کتاب الهی

همان.

چهارم: تعلیم دهنده ی حکمت

همان.

پنجم: تزکیه کننده

همان.

ششم: تذکّر دهنده

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ «= ما آن را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکّر شوند.»[۱]

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا﴾ «= و ما فقط آن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آن انذار کنی.»[۲]

هفتم: هدایت کننده

﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.﴾[۳]

« رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد.»

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ «= و تو مسلّماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی.»[٤]

هشتم: چراغ روشنی بخش

﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ «= و تو را دعوت‌کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی‌بخش.»[٥]

---

[۱] دخان: ۵۸

[۲] مریم: ۹۷

[۳] طلاق: ۱۱

[٤] شوری: ۵۲

[٥] احزاب: ۴۶

نهم: الگوی نیکو

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا .﴾[۱]

«مسلّماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

دهم: حل اختلاف کننده

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.﴾[۲]

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.»

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ ۖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ۗ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا.﴾[۳]

«و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق،) آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان -که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عدّه کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید (و گمراه می‌شدید).»

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۙ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ .﴾[٤]

« ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند.»

---

[۱] احزاب: ۲۱

[۲] نساء: ۵۹

[۳] نساء: ۸۳

[٤] نحل: ۶۴

یازدهم: قاضی

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ ۚ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا .﴾[۱]

«ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی.»

نکته ی قابل توجه دیگر اینکه اگر رسول خدا ﷺ فقط وظیفه ی پیام رسانی داشتند، پس چرا نزول این پیام ۲۳ سال طول کشید ؟! آیا بهتر نبود که پیامبر ﷺ به هر کسی که مسلمان میشد، یک کتاب قرآن میداد و می فرمود که دیگر شما را با من کاری نیست و بروید پی کارتان؟! چرا چنین نکرد؟

---

[۱] نساء: ۱۰۵

حجیت سنت و اهمیت آن از منظر روایات نبوی

در کتب اهل سنت دو روایت اساسی نقل شده که در بحث اثبات امامت در قرآن بسیار اهمیت دارد؛ یکی باطن داشتن قرآن و محتاج تفسیر و مفسر بودنش و دیگری همردیفی سنت با قرآن .

یکم: قرآن ظاهر و باطن دارد

طبق روایات صحیح اهل سنت، قرآن ظاهر و باطن دارد و سنت همراه آن نازل شده است.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «قرآن در هفت حرف نازل شده است که برای هر آیه‌ای از آن ظاهر و باطنی است.»[۱]

این روایت را ابن حبان در صحیحش نقل کرده و شعیب الارنؤوط سندش را حسن دانسته است[۲] و نیز ابویعلی موصلی در مسندش نقل کرده و سلیم حسین اسد[۳] و شعیب الارنؤوط سندش را تصحیح کرده اند.[٤]

عبد الرئوف مناوی در شرح خود درباره مطالبی که سیوطی در الجامع الصغیر آورده است، می‌گوید:

«قرآن در هفت حرف نازل شده است که برای هر حرفی از آن ظاهر و باطنی هست. ظاهر آن چیزی است که تاویل و شناخت آن به سادگی قابل فهم و برداشت می‌باشد و باطن آن چیزی است که تفسیر و محتوای آن آشکار و ظاهر نیست.»[٥]

ابن تیمیه نیز بطن داشتن قرآن را مسلّم دانسته و گفته است:

«اگر باطن قرآن با ظاهر آن مخالفت نداشته باشد، نمی‌توان گفت که به خاطر مخالفت باطن با ظاهر معلوم، باطل است؛ آنگاه اگر حقانیت مطلب دانسته شد، قبول می‌شود و اگر بطلان آن دانسته شد، رد می‌شود.»[٦]

---

[۱] أُنْزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ، لِكُلِّ آيَةٍ مِنْهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ

[۲] صحیح ابن حبان ج ۱ ص ۲۷۶ ح ۷۵ قال الأرنؤوط: إسناده حسن

[۳] مسند ابی یعلی الموصلی ، ج ۹ ص ۸۰ ح ۵۱۴۹ سایت شامله / قال حسين سليم أسد: إسناده صحيح

[٤] مسند احمد بن حنبل ، ج ۱ ص ۴۴۵ ح ۴۲۵۲ سایت شامله / وأخرجه أبو يعلى بسند صحيح على شرط مسلم عن عبد الله بن مسعود ...

[٥]فیض القدير بشرح الجامع الصغير ج ۳ ص ۵۴ أنزل القرآن على سبعة أحرف لكل حرف منها ظهر وبطن، فظهره ما ظهر تأويله وعرف معناه وبطنه ما خفي تفسيره وأشكل فحواه

[٦] مجموع الفتاوی ج ۱۳ ص ۲۳۶ فإن الباطن إذا لم يخالف الظاهر لم يعلم بطلانه من جهة مخالفته للظاهر المعلوم، فإن علم أنه حق قبل وإن علم أنه باطل ردّ

دوم: سنت همراه قرآن نازل شده است

همچنین رسول خدا ﷺ فرمودند: «بدانید که به من کتاب داده شده و مانند آن همراهش است.»[۱]

این روایت را احمد بن حنبل نقل کرده و شعیب الارنؤوط[۲] و ألبانی[۳] سندش را تصحیح کرده اند.

علمای عامه تصریح کرده اند که مراد از «ومثله معه» سنت است:

عبد العزیز بن باز

عبد العزیز بن باز، مفتی سابق عربستان سعودی، درباره ی حدیث فوق می گوید:

«این حدیث از احادیث صحیح و ثابت از پیامبر ﷺ است و معنی این فرمایش آن حضرت که: «و مانند آن همراهش است» این است که خداوند وحی دیگری به حضرت اعطا کرده اند و آن سنت است که قرآن را تفسیر می کند و معنایش را روشن می سازد.»[٤]

ابن قیّم جوزیه

ابن قیم جوزیه (شاگرد ابن تیمیه) در مورد عذاب قبر (که به صورت مستقیم و صریح در قرآن از آن سخنی گفته نشده) کلام جالبی دارد و می گوید:

«مساله ی هشتم: قول سوال کننده که حکمت این که عذاب قبر با وجود نیاز شدید به دانستنش در قرآن ذکر نشده است چیست تا از آن بر حذر بدارد و بترساند؟ که جواب را از دو جهت می دهیم: مجمل و مفصل.

اما پاسخ مجمل این که خداوند دو نوع وحی بر پیامبر ﷺ نازل کرده و بر بندگانش ایمان و عمل به آنها را واجب گردانیده است و آن قرآن و سنت است و خداوند فرموده است: ﴿و خداوند بر تو کتاب و حکمت را نازل کرد.﴾[٥] و در آیه ی دیگر فرموده است: ﴿اوست آن که در میان درس ناخوانده‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها می‌خواند و پاکشان می‌سازد و کتاب و حکمتشان می‌آموزد، و حقا که از پیش در گمراهی آشکاری بودند﴾[٦] و نیز فرموده است: ﴿آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش

---

[۱] أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ، أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ

[۲] مسند احمد بن حنبل ، ج ۴ ص ۱۳۰ ح ۱۷۲۱۳ قال الارنؤوط: إسناده صحیح

[۳] الحدیث حجة بنفسه فی العقائد والأحکام ، ص ۵ قال الألبانی: رواه أبو داود والترمذی والحاکم وصححه وأحمد بسند صحیح

[٤] مجموع فتاوی ابن باز ، ج ۲۵ ص ۵۸ سایت شامله / هذا حدیث من الأحادیث الصحیحة الثابتة عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، ومعنی (ومثله معه) یعنی أن الله أعطاه وحیًا آخر وهو السنة التی تفسر القرآن وتبین معناه

[٥] نساء: ۱۱۳

[٦] جمعه: ۲

خوانده می‌شود یاد کنید.﴾[۱] و منظور از کتاب، قرآن و منظور از حکمت، سنت است به اتفاق سلف. و وجوب تصدیق و ایمان به آنچه پیامبر ﷺ از جانب خدا به آن خبر داده است (یعنی احادیث نبوی) مانند وجوب ایمان به چیزی است که خداوند از زبان پیامبر ﷺ به آن خبر داده است و این، اصلی مورد اتفاق بین مسلمانان است و جز غیر مسلمان آن را انکار نمی کند و پیامبر ﷺ فرموده است: «به من کتاب داده شده است و مانند آن همراهش است».»[۲]

ابن عثیمین

وی در پاسخ به اشکال کسانی که می گویند چطور خداوند در قرآن فرموده است: «این قرآن بیانگر همه چیز است» ، حال آنکه حتی تعداد نمازهای پنجگانه و تعداد رکعات هر کدام از آن ها در قرآن نیامده، سنت را یکی از دو وحی دانسته است:

«خداوند متعال در کتابش برای ما بیان فرموده اند که بر ما واجب است که هر چه پیامبر ﷺ فرموده است را اخذ کنیم و آیات ﴿هرکس از رسول اطاعت کند ، از خدا اطاعت کرده است﴾ و ﴿هر آنچه که رسول به شما داد بگیرید و از هر آنچه که شما را از آن نهی کرد ، بپرهیزید﴾ بر این امر دلالت دارند. پس هر آنچه سنت آن را بیان کرده است، قرآن بر آن دلالت دارد؛ چرا که سنت یکی از دو قسمت وحی است که خداوند آن را بر پیامبرش نازل کرده و آن را به او آموخته است، همانطور که خداوند فرموده است: ﴿و خداوند بر تو کتاب و حکمت را نازل فرمود﴾ و بر این مبنا هر آنچه در سنت آمده، در واقع در قرآن آمده است.»[۳]

---

[۱] احزاب: ۳٤

[۲] الروح ج ۱ ص ۷۵ المسألة الثامنة وهي قول السائل ما الحكمة فيكون عذاب القبر لم يذكر في القرآن مع شدة الحاجة إلى معرفته والإيمان به ليحذر ويتقى فالجواب من وجهين مجمل ومفصل أما المجمل فهو أن الله سبحانه وتعالى أنزل على رسوله وحيين وأوجب على عباده الإيمان بهما والعمل بما فيهما وهما الكتاب والحكمة وقال تعالى (وأنزل الله عليك الكتاب والحكمة) وقال تعالى (هو الذى بعث في الأميين رسولا منهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة) وقال تعالى (واذكرن ما يتلى في بيوتكم من آيات الله والحكمة) والكتاب هو القرآن والحكمة هى السنة بانفاق السلف وما أخبر به الرسول عن الله فهو في وجوب تصديقه والإيمان به كما أخبر به الرب تعالى على لسان رسوله هذا أصل متفق عليه بين أهل الإسلام لا ينكره إلا من ليس منهم وقد قال النبي إنى أوتيت الكتاب ومثله معه

[۳] مجموع فتاوى ورسائل العثيمين ، ج ۵ ص ۲۴۵ سایت شامله / أن الله تعالى بين لنا في كتابه أنه من الواجب علينا أن نأخذ بما قاله الرسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وبما دلنا عليه {مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ} {وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا} فما بينته السنة فإن القرآن قد دل عليه؛ لأن السنة أحد قسمي الوحي الذي أنزله الله على رسوله وعلمه إياه كما قال الله تعالى: {وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ} وعلى هذا فما جاء في السنة فقد جاء في كتاب الله عز وجل

وی همچنین در تفسیر آیه ی ۵۹ سوره ی نساء می گوید:

« ۳- اطاعت از پیامبر ﷺ به صورت استقلالی واجب است و پیروی از پیامبر ﷺ مانند پیروی از خداوند است بنا بر قول خداوند که : ﴿از خدا اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید﴾؛ چرا که خداوند دوباره فعل ﴿اطاعت کنید﴾ را آورده است و اطاعت از پیامبر ﷺ را به دنبال اطاعت از خداوند قرار نداده است.

۴-[این آیه] پاسخ به کسی است که به سنت کافر است و می گوید: بجز آنچه در قرآن آمده است را قبول نمی کنیم؛ چرا که خداوند اطاعت از پیامبر را به صورت مستقل قرار داده [و به آن امر کرده است] و حقیقت آن است که کسی که چنین کلامی را می گوید (یعنی فقط قرآن)، از آنچه در قرآن آمده پیروی نمی کند؛ چون که قرآن امر کرده که از پیامبر ﷺ پیروی شود و فرموده است: ﴿بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید﴾ (اعراف: ۱۵۸) و نگفته است از پیامبر در صورتی پیروی کنید که اصل آن در قرآن باشد؛ بلکه [پیروی از پیامبر] امری عام است.»[۱]

سوم: طلب مغفرت پیامبر ﷺ برای ناقلان احادیث نبوی

ابن حبان در صحیحش با دو سند روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«خدا بیامرزد مردی را که سخنی از من بشنود و نگاهدارد تا به دیگری برساند.»

[۱] تفسیر العثیمین ، سورة النساء، ج۱،ص۴۵۰ پی دی اف / ۳- وجوب طاعة الرسول صلى الله عليه وسلم استقلالاً ، وأن طاعته كطاعة الله؛ لقوله: (أطيعوا الله وأطيعوا الرسول)؛ لأنه أعاد الفعل : (أطيعوا)، ولم يجعل طاعة الرسول تابعة لطاعة الله. ۴- الرد على من كفر بالسنة وقال: لا نقبل إلا ما جاء فی القرآن، لأن الله جعل طاعة الرسول صلى الله عليه وسلم مستقلة، والحقيقة أن الذی يقول هذا القول لم يتبع ما جاء به القرآن؛ لأن القرآن أمر بأن يتبع الرسول عليه الصلاة والسلام فقال: (قل يا أيها الناس إنّی رسول الله إليكم جميعاً الذی له مُلک السماوات والأرض لا إله إلا هو يحيی ويميت فآمنوا بالله ورسوله النَّبی الأُمِّی الذی يُؤمن بالله وكلماتِه واتَّبعوه) [الأعراف: ۱۵۸] ولم يقل: اتبعوه إن وجدتم لذلک أصلاً فی القرآن، بل هو أمر عام

شعیب الارنؤوط در تحقیق کتاب صحیح ابن حبان، یکی از طرقش را صحیح[۱] و دیگری را حسن[۲] دانسته است.

چهارم: امر پیامبر ﷺ به نوشتن احادیث

احمد بن حنبل در مسندش با سند صحیح (طبق نظر ارنؤوط)[۳] از عبدالله بن عمرو بن عاص روایت کرده است که گفت:

«من هر چیزی که از رسول خدا ﷺ می شنیدم، می نوشتم و قصد داشتم که آن ها را حفظ کنم؛ پس قریش من را نهی کردند و گفتند: تو هر چیزی که از رسول خدا ﷺ می شنوی، می نویسی، در حالی که رسول خدا ﷺ هم بشر است و در حالت خشم و رضا سخن می گوید! پس من از نوشتن دست کشیدم و آن را به رسول خدا ﷺ یادآور شدم. پس حضرت فرمود: بنویس، قسم به کسی که جان من در دست اوست، از من جز حق خارج نمی شود.»[٤]

البانی نیز این روایت را در کتاب السلسلة الصحیحة آورده است.[۵]

---

[١] صحيح ابن حبان ج ١ ص ٢٧٠ ح ٦٧ قال شعيب الأرنؤوط : إسناده صحيح / أخبرنا أبو خليفة قال حدثنا مسدد قال حدثنا يحيى بن سعيد عن شعبة قال حدثني عمر بن سليمان هو ابن عاصم بن عمر بن الخطاب عن عبد الرحمن بن أبان هو ابن عثمان بن عفان عن أبيه قال خرج زيد بن ثابت من عند مروان قريبا من نصف النهار فقلت ما بعث إليه إلا لشيء سأله فقمت إليه فسألته فقال أجل سألنا عن أشياء سمعناها من رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله امرأ سمع مني حديثا فحفظه حتى يبلغه غيره فرب حامل فقه إلى من هو أفقه منه ورب حامل فقه ليس بفقيه ثلاث خصال لا يغل عليهن قلب مسلم إخلاص العمل لله ومناصحة أولاة الأمر ولزوم الجماعة فإن دعوتهم تحيط من ورائهم

[٢] صحيح ابن حبان ج ١ ص ٢٧١ ح ٦٨ قال شعيب الأرنؤوط : إسناده حسن / أخبرنا الحسن بن سفيان قال حدثنا صفوان بن صالح قال حدثنا الوليد بن مسلم قال حدثنا شيبان قال حدثني سماك بن حرب عن عبد الرحمن بن عبد الله عن أبيه ابن مسعود أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال رحم الله من سمع مني حديثا فبلغه كما سمعه فرب مبلغ أوعى له من سامع

[٣] مسند أحمد بن حنبل ج ٢ ص ١٦٢ ح ٦٥١٠ قال شعيب الأرنؤوط : إسناده صحيح

[٤] حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يحيى بن سعيد عن عبيد الله بن الأخنس أنا الوليد بن عبد الله عن يوسف بن ماهك عن عبد الله بن عمرو قال كنت أكتب كل شيء أسمعه من رسول الله صلى الله عليه وسلم أريد حفظه فنهتني قريش فقالوا أنك تكتب كل شيء تسمعه من رسول الله صلى الله عليه وسلم ورسول الله صلى الله عليه وسلم بشر يتكلم في الغضب والرضا فأمسكت عن الكتاب فذكرت ذلك لرسول الله صلى الله عليه وسلم فقال اكتب فوالذي نفسي بيده ما خرج مني الا حق

[٥] سلسلة الأحاديث الصحيحة، ج ۴ ص ۴۵ ح ۱۵۳۲ سایت شامله

حجیت سنت از منظر علمای بزرگ عامه

بسیاری از علمای عامه (اعم از اهل سنت و وهابیت) سنت را تبیین کننده و مفسّر قرآن دانسته اند و برخی دیگر نیز از منکران سنت با عناوینی چون گمراه، اهل بدعت و ... یاد کرده اند.

۱. قرطبی به نقل از ابن عطیه

قرطبی در تفسیرش بابی باز کرده با عنوان «باب تبیین الکتاب بالسنة و ما جاء فی ذلک» و در آنجا چنین نوشته است:

«اوزاعی از حسان بن عطیه نقل کرده است که گفت: «وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شد و جبرئیل علیه السلام در همان زمان برای پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر می‌کرد که مراد خداوند از این آیات چیست».»[۱]

۲. بدر الدین زرکشی

بدر الدین زرکشی (از عالمان قرآن اهل سنت) می نویسد:

«مسئله احتیاج قرآن به سنت: اوزاعی گفته است: «نیاز قرآن به سنت بیشتر از نیاز سنت به قرآن است.» ابو عمر بن عبد البر گفته است: «منظور اوزاعی این است که سنت حاکم بر قرآن است و مراد آن را بیان میکند.» و یحیی بن ابی کثیر نیز گفته است: «سنت حاکم بر قرآن است.» و فضل بن زیاد گفته است که از احمد بن حنبل شنیدم، در حالی که از حدیث سنت حاکم بر قرآن است سؤال شد، پس جواب داد: «من جسارت ندارم بر اینکه این جمله را بگویم؛ ولی می گویم: سنت، قرآن را تفسیر و تبیین می کند.»[۲]

۳. امام ابو حنیفه

زین الدین عراقی می نویسد:

«امام ابو حنیفه می گفت: «بپرهیزید از اینکه در دین خدا از پیش خود سخن بگویید و بر شما باد به تبعیت از سنت. پس هرکس از تبعیت سنت خارج شود، گمراه می شود.» و یکبار مردی از اهل کوفه بر او وارد شد، در

[۱] تفسیر القرطبي ج ۱ ص ۳۹ وروی الأوزاعي عن حسان بن عطية قال : كان الوحي ينزل على رسول الله صلى الله عليه وسلم ويحضره جبريل بالسنة التي تفسر ذلك

[۲] البحر المحيط فی اصول الفقه ج ۳ ص ۲۳۹ مسألة [حاجة الكتاب إلى السنة] قال الأوزاعی : الكتاب أحوج إلى السنة من السنة إلى الكتاب . قال أبو عمر : يريد أنها تقضی عليه ، وتبين المراد منه . وقال يحيى بن أبی كثير : السنة قاضية على الكتاب . وقال الفضل بن زياد : سمعت أحمد بن حنبل وقد سئل عن الحديث الذی روی : أن السنة قاضية على الكتاب . فقال : ما أجسر على هذا أن أقوله ولكن أقول : إن السنة تفسر الكتاب وتبينه

حالی که نزدشان حدیث خوانده می شد، پس مرد کوفی گفت: «از این احادیث برای ما نگویید و فقط از قرآن بگویید» ! پس امام ابوحنیفه به شدت ناراحت شد و به او گفت: «اگر سنت نبود، احدی از ما قرآن را نمیفهمید.»[۱]

۴. ابو الحسن واحدی

ابو الحسن واحدی در مقدمه تفسیرش کتاب «اسباب النزول» می‌گوید:

« اصلاً ممکن نیست ما تفسیر آیه را بفهمیم و هدف آیه برای ما روشن شود بدون اینکه به داستان و شأن نزول آیه آگاهی داشته باشیم و حلال نیست سخن گفتن درباره ی اسباب نزول آیات قرآن مگر با روایت از کسانی که شاهدان نزول آن بوده اند و بر اسباب واقف بودند.»[۲]

۵. ابو الفتح قشیری

بدر الدین زرکشی از ابی الفتح قشیری نقل می کند که گفت:

«بیان سبب نزول آیات، راه قوی و محکمی در فهم معانی قرآن کریم است.»[۳]

۶. سیوطی به نقل از ابن تیمیه

عبدالرحمن سیوطی از ابن تیمیه نقل می کند که گفت:

«شناختن سبب نزول آیه، انسان را بر فهم آیه کمک می‌کند؛ چرا که علم پیدا کردن به سبب نزول باعث می‌شود علم پیدا کنیم به آیه ای که در این زمینه نازل شده است.»[۴]

۷. محمد ناصر الدین ألبانی

وی که از بزرگان وهابیت است، می گوید:

«ای مسلمان! بپرهیز از این که قرآن را بدون کمک از روایات نبوی بفهمی؛ چرا که چنین چیزی امکان پذیر

---

[۱]المستخرج علی المستدرک للحاکم ج ۱ ص ۱۵ کان الإمام أبو حنیفة –رضی الله عنه– یقول: "إیاکم والقول فی دین الله تعالی بالرأی؛ وعلیکم باتباع السنة فمن خرج عنها ضل". ودخل علیه مرة رجل من أهل الکوفة والحدیث یقرأ عنده فقال الرجل: "دعونا من هذه الأحادیث! " فزجره الإمام أشد الزجر، وقال له: "لولا السنة ما فهم أحد منا القرآن"

[۲] أسباب النزول ت الحمیدان ، ج ۱ ص ۸ سایت شامله / لامتناع معرفة تفسیر الآیة وقصد سبیلها، دون الوقوف علی قصتها وبیان نزولها، ولا یحل القول فی أسباب نزول الکتاب، إلا بالروایة والسماع ممن شاهدوا التنزیل، ووقفوا علی الأسباب

[۳] البرهان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۲۲ بیان سبب النزول طریق قوی فی فهم معانی الکتاب العزیز

[٤] الإتقان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۸۸ رقم ۳۴۵ معرفة سبب النزول یعین علی فهم الآیة ، فإن العلم بالسبب یورث العلم بالمسبب

نمی‌باشد، حتّی اگر در فهم لغت، سیبویه (بزرگترین عالم لغت شناس عرب) زمان خود باشی.»[۱]

۸. سایت اسلام سؤال و جواب

در سایت اسلام سؤال و جواب تحت اشراف شیخ محمد صالح المنجد آمده است:

«آنچه که تابعین و پیشوایان اسلام از دین خدا فهمیده اند و چیزی غیر از آن نفهمیده اند، این است که هیچ فرقی نیست بین کتاب و سنت در استدلال و الزام و اینکه سنت، مبیّن و مفسر است برای آنچه که در قرآن آمده است.»[۲]

۹. مرکز فتوای اسلام وب

در سایت مرکز فتوای اسلام وب که از سایت های مرکزی وهابیت است، آمده است:

« سؤال: آیا فقط سنت عملی متواتر، مبیّن و تفصیل مجمل قرآن است؟

جواب: همه ی آنچه صحیح است از سنت قولی یا عملی پیامبر ﷺ ، چه متواتر باشد و چه نباشد، حجت است و مبیّن مجمل قرآن می باشد.»[۳]

---

[۱] صفة صلاة النبی ﷺ ، ص ۱۷۱ سایت شامله / فحذار أیها المسلم أن تحاول فهم القرآن مستقلا عن السنة فإنک لن تستطیع ذلک ولو کنت فی اللغة سیبویه زمانک

[۲]رقم الفتوى: ۹۳۱۱۱ ؛ تم النشر بتاریخ: ۲۰۰۷-۰۱-۱۰ وهو الذی فهمه التابعون وأئمة الإسلام من دین الله تعالى ، ولا یعرفون غیره ، أنه لا فرق بین الکتاب والسنَّة فی الاستدلال والإلزام ، وأن السنَّة مبینة ومفسرة لما فی القرآن

[۳] رقم الفتوى: ۱۴۲۰۴۷ ؛ الإثنین ۲۴ ذو القعدة ۱۴۳۱ - ۱-۱۱-۲۰۱۰ السؤال : هل السنة العملية المتواترة فقط هی المبینة لتفصیل ما أجمله القرآن ؟ الإجابــة : فإن کل ما صح عن النبی صلى الله علیه وسلم من سنته القولیة أو العملیة –سواء أتواتر أم لم یتواتر ـ فإنه حجة، ومبین لما أجمله القرآن فی بابه

حکم منکران حدیث از نظر علمای اهل سنت

کسانی که ندای حسبنا کتاب الله سر می دهند و در عین حال خود را اهل سنت می دانند، بد نیست که نظر بزرگان اهل سنت را در مورد خودشان بدانند:

الف) احمق

عمران بن حصین صحابی

جلال الدین سیوطی می نویسد:

«سعید بن منصور روایت کرده است از قول عمران بن حصین که ما در حال صحبت کردن در مورد احادیث بودیم که مردی آمد و گفت: «این حرفها را رها کنید! از کتاب خدا برای من دلیل بیاورید (نه از احادیث)»! عمران بن حصین گفت: «تو آدم احمقی هستی! آیا در کتاب خدا، تفسیر نماز خواندن و روزه گرفتن آمده است؟ کتاب خدا حکم را آورده و سنت نبوی آن را تفسیر می کند.»[۱]

ب) گمراه

۱. محمد ناصر الدین ألبانی

محمد ناصر الدین البانی وهابی در کتاب « منزلة السنة فی القرآن » بابی دارد به نام " ضلال المستغنین بالقرآن عن السنة " یعنی گمراهی کسانی که قرآن را از سنت بی نیاز میدانند.[۲]

۲. ابو قِلابَه

ابو قلابه (متوفای ۱۰۴ هـ) می گوید:

«اگر از سنت برای کسی سخن گفتی و او گفت: «سنت را کنار بگذار و از قرآن بگو»! بدان که آن فرد، گمراه است.»[۳]

---

[۱]مفتاح الجنة فی الاحتجاج بالسنة ، ج ۱ ص ۵۹ وَأخرج سعید بن مَنْصُور عَن عمرَان بن حُصَیْن أَنهم كَانُوا یتذاكرون الحَدِیث فَقَالَ رجل دَعونَا من هَذَا وجیؤونا بِكِتَاب الله فَقَالَ عمران: "إِنَّک أَحمَق أتجد فِی کتاب الله الصَّلَاة مفسرة، أتجد فِی کتاب الله الصّیام مُفَسرًا، إِن الْقُرْآن أحكم ذَلِک وَالسّنة تفسره"

[۲] منزلة السنة فی الإسلام ، ص ۱۳ بر مبنای مکتبه شامله

[۳] سیر اعلام النبلاء للذهبی ج ۴ ص ۴۷۲ اذا حدثت الرجل بالسنة فقال: دعنا من هذا و هات کتاب الله، فاعلم أنه ضال

۳. ایوب سختیانی

ایوب سختیانی (متوفای ۱۳۱ هـ) می گوید:

«اگر از سنت برای کسی سخن گفتی و او گفت: «سنت را کنار بگذار و از قرآن بگو»! بدان که آن فرد ، گمراه و گمراه کننده است.»[۱]

۴. امام ابو حنفیه

قبلا سخن او را از زین الدین عراقی نقل کردیم.[۲]

ج) خبیث

دکتر محمد محمد ابو شُهبه

دکتر محمد محمد ابوشُهبه می نویسد:

«گروهی در زمانهای قبل و هم اکنون نیز به وجود آمده اند که به این ادعای خبیث؛ یعنی اکتفا به قرآن بدل از احادیث دعوت می کنند و هدف آنها از بین بردن نصف دین است.»[۳]

د) اهل بدعت

۱. ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اسماعیل تیمی اصفهانی می گوید:

«اگر دیدی کسی در مورد دین خدا به مخاصمه برخاسته و در مورد کتاب الله مجادله می کند و وقتی به او گفته می شود: «قال رسول الله (یعنی رسول الله چنین و چنان فرموده)»؛ پس می گوید: «کتاب الله برای ما کفایت میکند»؛ بدان که او صاحب بدعت است.»[٤]

---

[۱] الآداب الشرعية والمنح المرعية للمقدسی ج ۲ ص ۲۹۲ إذا حدثت الرجل بالسنة فقال دعنا من هذا و حدثنا بالقرآن فاعلم أنه ضالّ مضل

[۲] المستخرج علی المستدرک للحاکم ج ۱ ص ۱۵

[۳] فی رحاب السنة – الکتب الصحاح الستة ، ص ۱۷ سایت شامله / فقد ظهرت فئة فی القديم و الحديث تدعوا الی هذه الدعوة الخبيثة و هی الاکتفاء بالقرآن عن الاحاديث و غرضهم هدم نصف الدين

[٤] الحجة فی بيان المحجة وشرح عقيدة أهل السنة ، ج ۲ ص ۵۳۹ - ۵۴۰ وإذا رأيت الرجل يخاصم فی دين الله ويجادل فی کتاب الله فإذا قيل له : قال رسول الله ، قال : حسبنا کتاب الله ؛ فاعلم أنه صاحب بدعة

۲. محمد ناصر الدین ألبانی

وی در کتابی که برای اثبات حجیت مستقل احادیث در عقاید و احکام تالیف کرده است، می نویسد:

«عدم احتجاج به احادیث واحد در عقیده، بدعت است: و در کل، دلایل از قرآن و سنت، عمل صحابه و اقوال علما به صورت قطعی دلالت می کند بر چیزی که شرح دادیم؛ یعنی قبول حدیث واحد در تمامی مسائل شریعت، چه در اعتقادات و چه در مسائل عملی، واجب است و اینکه جدا کردن آن دو از هم بدعتی است که سلف از آن بیگانه اند.»[۱]

هـ) خارجی

۱. شمس الدین ذهبی

شمس الدین ذهبی می نویسد:

« از احادیث مرسل ابن ابی ملیکه چنین است که ابوبکر بعد از وفات رسول الله ﷺ مردم را جمع کرد و گفت: «شما از رسول خدا ﷺ احادیثی نقل می کنید که در آنها اختلاف دارید و لذا مردم بعد از شما نیز به اختلاف زیادی خواهند افتاد؛ پس، از رسول الله ﷺ چیزی نقل نکنید و هر کس از شما سوالی کرد، بگویید: بین ما و شما قرآن است؛ حلالش را حلال و حرامش را حرام بدانید.»

این روایت مرسله دلالت بر آن دارد که منظور ابوبکر از این سخن، تثبت، تحقیق، تحری و رسیدن به واقعیت بوده و نه بستن باب نقل روایت. آیا نمی بینی که وقتی در مورد جده از او سوال شد و او جواب آن را در قرآن کریم نیافت، چگونه در مورد جوابش از سنت رسول خدا ﷺ سوال نمود و وقتی یک فرد مورد اعتماد به او جواب داد، ابوبکر به سخنش اکتفا نکرد تا اینکه فرد ثقه دیگری همان جواب را به او داد و لذا ابوبکر این سخن خوارج را که میگویند: «حسبنا کتاب الله» را نگفت.»[۲]

---

[۱] الحديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام ، ص ۶۰ سایت شامله / عدم الإحتجاج بحديث الآحاد في العقيدة بدعة محدثة : وبالجملة فأدلة الكتاب والسنة وعمل الصحابة وأقوال العلماء تدل دلالة قاطعة – على ما شرحنا – من وجوب الأخذ بحديث الآحاد في كل أبواب الشريعة سواء كان في الإعتقاديات أو العمليات وأن التفريق بينهما بدعة لا يعرفها السلف

[۲] تذكرة الحفاظ ، ج ۱ ص ۲ – ۳ ومن مراسيل بن أبي مليكة أن الصديق جمع الناس بعد وفاة نبيهم فقال إنكم تحدثون عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أحاديث تختلفون فيها والناس بعدكم أشد اختلافا فلا تحدثوا عن رسول الله شيئا فمن سألكم فقولوا بيننا وبينكم كتاب الله فاستحلوا حلاله وحرموا حرامه فهذا المرسل يدلک أن مراد الصديق التثبت فی الأخبار والتحری لا سد باب الرواية ألا تراه لما نزل به أمر الجدة ولم يجده فی الكتاب كيف سأل عنه فی السنة فلما أخبره الثقة ما اكتفى حتى استظهر بثقة آخر ولم يقل حسبنا كتاب الله كما تقوله الخوارج

۲. مرکز فتوای اسلام وب

در سایت اسلام وب در جواب استفتائی چنین آمده است:

«مصدر احکام در اسلام: قرآن و سنت است و علما اجماع کرده اند بر اینکه سنت حجت است و در این مورد اختلاف نمی کند مگر کسی که از دین خارج شود و کسی که مخالف جماعت مسلمین باشد.»[۱]

و) زندیق

ابومحمد بر بهاری

ابو محمد حسن بن علی بر بهاری میگوید:

«اگر شنیدی که روایتی به کسی رسید و او آن را قبول نکرد و [صرفاً] قرآن را خواست، پس شک نکن که او زندیق است و از پیش او برو.»[۲]

و) کافر

۱. ابن حزم آندلسی

ابن حزم آندلسی می گوید:

«اگر کسی بگوید که ما جز آنچه که در قرآن می یابیم اخذ نمی کنیم، چنین شخصی به اجماع امت، کافر است.»[۳]

۲. جلال الدین سیوطی

جلال الدین سیوطی می گوید:

«بدانید – خدا به شما رحم کند- هرکسی که حدیث پیامبر ﷺ را انکار کند، چه قولی باشد یا فعلی، به شرطی که آن حدیث بر طبق اصول شرعی معروف، حجت باشد، در آن صورت آن شخص کافر شده و از دایره

---

[۱] رقم الفتوى: ۱۱۴۲۹۵ ؛ الثلاثاء ۵ ذو القعدة ۱۴۲۹ - ۴-۱۱-۲۰۰۸ مصدر الأحكام فی الإسلام: القرآن والسنة، وقد أجمع العلماء على أن السنة حجة، ولا يخالف فی هذا إلا مارق من الدين ومخالف لجماعة المسلمين

[۲] شرح السنة ، ج ۱ ص ۵۴ رقم ۱۱۴ وإذا سمعت الرجل تأتيه بالأثر فلا يريده، ويريد القرآن، فلا [تشک] أنه رجل قد احتوى على الزندقة، فقم من عنده

[۳] الإحكام فی أصول الأحكام ، ج ۲ ص ۲۰۸ ولو أن امرأ قال لا نأخذ إلا ما وجدنا فی القرآن لكان كافرا بإجماع الأمة

اسلام خارج می گردد و با یهود و نصاری و یا با هر فرقه کافر دیگری که خدا بخواهد محشور میشود.»[۱]

۳. ابن تیمیه

ابن تیمیه می گوید:

«هر کس منکر حدیثی شود که با تواتر و یا اجماع ثابت شده، کافر است.»[۲]

۴. عبد العزیز بن باز

عبد العزیز بن باز مفتی پیشین عربستان سعودی می گوید:

«بدون شک سنت مطهره همان اصل دوم از اصول اسلام است و جایگاهش در اسلام بعد از قرآن به اجماع و اتفاق اهل علم به تنهایی بر همه ی امت اسلام حجت است.

هر کس سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که همان اخبار و روایات رسیده از ایشان است انکار نماید یا گمان کند که می توان از سنت پیامبر اعراض کرده (و آن را کنار گذاشت) و تنها اکتفاء به قرآن نمود، چنین شخصی حقیقتا گمراه و کافر شده است آن هم به کفر اکبر و بلکه با این قول، از اسلام مرتد شده و با این عقیده، خدا و رسولش را تکذیب کرده و آنچه را ایشان فرمان داده اند انکار نموده و اصل بزرگی از اصول اسلام را که خدا به رجوع کردن، اعتماد کردن و اخذ کردن بدان امر کرده انکار نموده و اجماع و اتفاق علما را نیز انکار نموده است.»[۳]

۵. لجنه دائمی افتای عربستان سعودی

لجنه دائمی افتای عربستان سعودی درباره حجیت خبر واحد و انکار آن، سؤال و جوابی را چنین مطرح کرده است:

« سؤال: حکم کسی که روایت عذاب قبر را به این دلیل که روایات وارده در این باره، اخبار واحد هستند و

---

[۱] مفتاح الجنة فی الاحتجاج بالسنة ج ۱ص ۵ فاعلموا رحمكم الله أن من أنكر حديث النبی صلى الله عليه وسلم قولاً كان أو فعلاً بشرطه المعروف فی الأصول حجة، كفر وخرج عن دائرة الإسلام، وحشر مع اليهود والنصارى أو مع من شاء من فرق الكفرة

[۲] مجموع فتاوی ابن تیمیه ج ۱ ص ۱۰۹ وأما من أنكر ما ثبت بالتواتر والإجماع فهو كافر

[۳] مجموع فتاوا ابن باز ، ج ۸ ص ۱۳۲ سایت شامله / لا شک ان السنة المطهره هی الاصل الثانی من اصول الاسلام و ان مکانتها فی الاسلام الصداره بعد کتاب الله باجماع اهل العلم قاطبة و هی حجه قاطبه مستقله علی جمیع الامه . من جحدها او انکرها او زعم انه یجوز الاعراض عنها و الاکتفاء بالقران فقط ، فقد ضل ضلالا بعیدا وکفر کفرا اکبر وارتد عن الاسلام بهذا المقال فانه بهذا المقال و بهذا الاعتقادیکون قد کذب الله و رسوله و انکر ما امر الله و رسوله و جحد اصلا عظیما من اصول الاسلام قد امر الله بالرجوع الیه و الاعتماد علیه و الاخذ به و انکر اجماع اهل العلم

روایت واحد به صورت مطلق پذیرفته نمی‌شود، انکار می‌کنند، چیست؟ این افراد توجه نمی‌کنند که روایت، صحیح است یا حسن و یا ضعیف. فقط به این مسأله توجه می‌کنند که روایت، واحد است یا با طرق مختلف نقل شده است. اگر ببینند که واحد است، آن را نمی‌پذیرند. پاسخ آنان چیست؟

پاسخ: وقتی روایت واحد از رسول خدا ﷺ ثابت شود؛ چه در موضوع اعتقادات باشد و چه در اعمال، به اجماع اهل سنت حجت است. و هر کس استدلال به احادیث واحد را پس از اقامه دلیل انکار کند، کافر است.

برای اطلاع بیشتر در این باره به کتاب الصواعق ابن قیم یا مختصر آن که توسط موصلی نوشته شده است، مراجعه کنید.»[1]

[۱] فتاوی اللجنه الدائمه ، المجموعة الأولی – ج ۵، ص ۱۹–۲۰ رقم ۹۳۷۷ سایت شامله / س: ما حکم من ینکر عذاب القبر بحجه أنها (أی الأحادیث الوارده فی عذاب القبر) هی أحادیث آحاد والحدیث الآحاد لا یؤخذ به مطلقا، وهم لا ینظرون إلی الحدیث صحیح أو حسن أو ضعیف ولکن ینظرون إلیه من جهه کونه آحادا أو مرویا بطرق مختلفه فإذا وجدوه حدیث آحاد لم یأخذوا به فما هو الرد علیهم؟ جـ: الحمد لله وحده والصلاه والسلام علی رسوله وآله وصحبه.. وبعد: إذا ثبت حدیث الآحاد عن الرسول صلی الله علیه وسلم کان حجه فیما دل علیه اعتقادا وعملا بإجماع أهل السنه، ومن أنکر الاحتجاج بأحادیث الآحاد بعد إقامه الحجه علیه فهو کافر، وارجع فی الموضوع إلی کتاب الصواعق لابن القیم أو مختصره للموصلی

سنت در اصول دین نیز حجت است

یکی از اشکالاتی که مخالفین در بحث با شیعیان در مورد امامت مطرح می کنند، این است که شیعه آن را باید فقط و فقط از قرآن اثبات کند؛ زیرا شیعه امامت را از اصول دین می داند و سنت در اصول دین حجت نیست.

اما علمای بزرگ ایشان، نظر دیگری دارند:

۱. ابن تیمیه

شیخ الاسلام وهابیان ، ابن تیمیه می گوید:

«در باب اصول دین باید به کتاب و سنت مراجعه کرد، همان طوری که این را بیان کردم.»[1]

و در کتاب دیگر می گوید:

«مذهب اصحاب ما این است که اخبار آحادی که تلقی به قبول هستند، برای اثبات اصول دین، صلاحیت دارند.»[2]

۲. بدر الدین حنبلی

بدر الدین حنبلی می گوید:

«و همینطور واجب است در سایر ابواب اصول دین ، نصوص کتاب و سنت، اصل مورد اعتماد قرار داده شود و از آن تبعیت شود.»[3]

۳. ابن أبی العز حنفی

ابن أبی العز حنفی می‌گوید:

«چگونه کسی از اصول دین صبحت می‌کند، در حالی که از کتاب و سنت استفاده نمی‌کند ؟!»[4]

---

[۱] کتب ورسائل وفتاوی ابن تیمیة فی التفسیر، ج ۱۶، ص ۴۶۹ وهذا الذی ذکرته من أنه یجب الرجوع فی أصول الدین إلی الکتاب و السنة

[۲] المسودة ج ۱ ص ۲۲۳ مذهب أصحابنا أن أخبار الآحاد المتلقاة بالقبول تصلح لاثبات أصول الدیانات

[۳] مختصر الفتاوی المصریة ج ۱ ص ۲۴۲ وَكَذَلِکَ الْوَاجِب نَظِير ذَلِک فِی سائر ابواب أُصُول الدّين أَن يَجْعَل نُصُوص الْكتاب وَالسّنة هِیَ الأَصْل الْمُعْتَمد الَّذِی يجب اتِّبَاعه

[٤] شرح العقیدة الطحاویة ج ۱، ص ۲۲۱ وکیف یتکلم فی أصول الدین من لا یتلقاه من الکتاب والسنة

۴. ابوالمظفر سمعانی

ابوالمظفر سمعانی می گوید:

«روایات یک دلیل مهم در باب اصول دین محسوب می شود.»[۱]

۵. عبدالرحمن بن ناصر السعدی

وی در تفسیر آیه ی ۵۹ سوره نساء می نویسد:

«سپس خداوند دستور داد به ارجاع آنچه که مردم در مورد آن تنازع می کنند در اصول دین و فروعش به خدا و رسول؛ یعنی به کتاب خدا و سنت رسولش؛ چرا که در آن دو، فصل الخطاب در جمیع مسائل اختلافی است... چرا که بنای دین بر کتاب خدا و سنت رسولش است و ایمان بجز با آن دو استوار نمی شود و بازگشت به آن دو، شرط در ایمان است و به این دلیل است که خداوند فرمود: ﴿اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید!﴾»[۲]

[۱] قواطع الادلة للسمعانی، ج۱، ص ۳۲۳ فصارت الاخبار اصلاً کبیراً فی اصول الدین

[۲] تفسير السعدي ج ۱ ص ۱۸۴ ثم أمر برد كل ما تنازع الناس فيه ؛ من أصول الدين وفروعه ، إلى الله والرسول ، أي : إلى كتاب الله وسنة رسوله ؛ فإن فيهما الفصل في جميع المسائل الخلافية ، إما بصريحهما ، أو عمومهما ؛ أو إيماء ، أو تنبيه ، أو مفهوم ، أو عموم معنى ، يقاس عليه ما أشبهه . لأن كتاب الله وسنة رسوله ، عليهما بناء الدين ، ولا يستقيم الإيمان إلا بهما ، فالرد إليهما ، شرط في الإيمان ، فلهذا قال : (إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر)

بخش دوم: حجیت روایات

بعضی ها می گویند: در اینکه سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله حجت است، بحثی نیست؛ اما به دلیل اینکه روایات سال ها بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته شده اند، به دلیل فراموشی راویان، دست خوش تغییر در متن احادیث شده اند و از طرف دیگر، عده ای به غرایض مختلف حدیث جعل می کردند و از آن طرف، کتاب های حدیث بعد از قرن ها به دست ما رسیده است و معلوم نیست واقعا همان کتاب های منتسب به مؤلفانشان باشند و حتی خود این مؤلفان هم معلوم نیست راستگو و امانت دار باشند.

در پاسخ به این شبهه که بیشتر از جانب دین گریزان و مسلمانان روشن فکر مآب مطرح می شود، در ادامه ادله ای از عقل و قرآن ارائه می دهیم.

حجیت روایات از منظر عقل

با مراجعه به عقل سلیم در می یابیم که حجیت روایت را مورد تایید قرار می دهد که چند دلیل عقلی را ذکر می کنیم.

دلیل اول: قبول شهادت یک شاهد در همه ی دادگاه های دنیا

اصل حجیت خبر شخص عادل، از منظر عقلای عالم ثابت است؛ و در تمام دادگاه های دنیا، شهادت شخص عادل، حجت است؛ و اگر این مسأله از جوامع انسانی حذف شود، خیلی از امور مختل شده و زندگی کردن بسی سخت می شود.

دلیل دوم: حُسن عقلی رجوع به پزشک با وجود جهل و خطاهای احتمالی او

در همه جای دنیا، قاعده ی عقلی انتخاب بین بد و بدتر پذیرفته شده است و انسان ها فطرتا این قاعده را می دانند و به آن عمل می کنند؛ از این رو بیماران از قدیم تاکنون به پزشک رجوع می کنند، با اینکه همواره اطلاع داشته اند که پزشکشان دانای مطلق نیست و ممکن الخطا است.

جالب است بدانید که با وجود پیشرفت های چشمگیر علم پزشکی در عصر ما، تحقیقات محققان دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۳ ، حداقل ۲۵۰ هزار نفر در آمریکا به دلیل اشتباهات قابل پیشگیری پزشکی فوت کرده‌اند:

مارتین ماکاری، سرپرست تیم تحقیق می‌گوید: «در مجموع مشخص می‌شود که اشتباهات پزشکی سومین عامل مرگ در آمریکا است !!)»[۱]

بنابراین با این بهانه که در میان روایات غربال شده ، احتمال دارد تعدادی روایت جعلی یا اشتباه وجود داشته باشد، نمی توان از سنت رسول خدا ﷺ که شاکله ی اصلی دین است، چشم پوشید.

دلیل سوم: عدم تفاوت متن روایات با گذشت چندین قرن

بر خلاف تصور روشن فکر مآبان، اکثر راویان، روایات را مکتوب می کردند و از روی کتاب حدیثشان برای راویان دیگر حدیث نقل می کردند (رجوع شود به شرح حال عبد الله بن لهیعه)؛ لذا اشتباهی در نقل رخ نمیداد.

برای نمونه اگر روایاتی که در مسند احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هـ آمده است با روایات کتاب الأحادیث المختارة ضیاء الدین مقدسی متوفای ۶۴۳ هـ که در سند احمد بن حنبل مشترکند مقایسه کنیم، به این نتیجه

---

[۱] سایت سلامت آنلاین ، کد خبر : ۸۲۹۰

می رسیم که متن احادیث هر دو کتاب یکی است، با اینکه نویسندگان این دو کتاب ۴ قرن از هم فاصله دارند!

روایت احمد بن حنبل:

«حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يونس بن محمد ثنا حرب بن ميمون أبو الخطاب الأنصاري عن النضر بن أنس عن أنس قال حدثني نبي الله صلى الله عليه وسلم اني لقائم أنتظر أمتي تعبر عن الصراط إذ جاءني عيسى فقال هذه الأنبياء قد جاءتك يا محمد يشتكون أو قال يجتمعون إليك ويدعون الله عز وجل أن يفرق جمع الأمم إلى حيث يشاء الله لغم ما هم فيه والخلق ملجمون في العرق وأما المؤمن فهو عليه كالزكمة وأما الكافر فيتغشاه الموت قال قال عيسى انتظر حتى أرجع إليك قال فذهب نبي الله صلى الله عليه وسلم حتى قام تحت العرش فلقى ما لم يلق ملك مصطفى ولا نبي مرسل فأوحي الله عز وجل إلى جبريل اذهب إلى محمد فقل له ارفع رأسك سل تعط واشفع تشفع قال فشفعت في أمتي أن اخرج من كل تسعة وتسعين إنسانا واحدا قال فما زلت أتردد على ربي عز وجل فلا أقوم مقاما الا شفعت حتى أعطاني الله عز وجل من ذلك ان قال يا محمد أدخل من أمتك من خلق الله عز وجل من شهد انه لا إله الا الله يوما واحدا مخلصا ومات على ذلك.»[1]

روایت ضیاء مقدسی:

«أخبرنا أبو طاهر المبارك بن المبارك بن المعطوش الحريمي بقراءتي عليه بالجانب الغربي من بغداد قلت له أخبركم أبو القاسم هبة الله بن محمد بن عبد الواحد فأقر به أبنا أبو علي الحسن بن علي بن المذهب أبنا أبو بكر أحمد بن جعفر بن حمدان بن مالك ثنا أبو عبد الرحمن عبد الله بن أحمد بن حنبل ثنا أبي ثنا يونس بن محمد ثنا حرب بن ميمون أبو الخطاب الأنصاري عن النضر بن أنس عن أنس قال حدثني نبي الله صلى الله عليه وسلم إني لقائم أنتظر أمتي تعبر الصراط إذ جاءني عيسى قال فقال هذه الأنبياء قد جاءتك يا محمد يسألون أو قال يجتمعون إليك ويدعون الله عز وجل أن تفرق بين جمع الأمم إلى حيث يشاء الله لغم ما هم فيه فالخلق ملجمون في العرق فأما المؤمن فهو عليه كالزكمة وأما الكافر فيتغشاه الموت قال قال عيسى إنتظر حتى أرجع إليك قال فذهب نبي الله صلى الله عليه وسلم فقام تحت العرش فلقي ما لم يلق ملك مصطفى ولا نبي مرسل فأوحى الله عز وجل إلى جبريل أن اذهب إلى محمد صلى الله عليه وسلم فقال له ارفع رأسك سل تعطه واشفع تشفع قال فشفعت في أمتي أن أخرج من كل تسعة وتسعين إنسانا واحدا قال فما زلت أتردد على ربي عز وجل فلا أقوم منه مقاما إلا شفعت حتى أعطاني الله من ذلك أن قال يا محمد أدخل من أمتك من خلق الله من شهد أن لا إله إلا الله يوما واحدا مخلصا ومات على ذلك.»[2]

---

[۱] مسند أحمد بن حنبل ج ۳ ص ۱۷۸ ح ۱۲۸۴۷

[۲] الأحاديث المختارة ج ۷ ص ۲۴۸-۲۴۹ ح ۲۶۹۵ قال عبد الملك بن عبد الله بن دهيش : إسناده صحيح

کار انتساب کتاب به مؤلفش نیز به صورت تخصصی توسط نسخه شناسان انجام می شود و آن ها طبق ادله و قرائن مختلف به این نتیجه رسیده اند که فلان کتاب برای فلان عالم است یا نه.

البته کتابت حدیث در میان اهل سنت، از سال ۹۹ هجری به دستور عمر بن عبد العزیز اموی به طور رسمی آغاز شد (؟) و لذا تابعین، این روایات را بعد از گذشت حدود ۹۰ سال بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به طور رسمی مکتوب کرده اند و می توان گفت که اغلب آنچه از اشتباه در نقل یا تحریف و دروغ در روایات اهل سنت به وقوع پیوسته، مربوط به طبقه ی تابعین و صحابه است و به ندرت می توان روایتی را یافت که جعل و تحریف آن مربوط به بعد از قرن سوم باشد.

اما در شیعه چنین نبود و خود امیرالمومنین علیه‌السلام بلافاصله بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مبادرت به نوشتن قرآن به همراه شأن نزولشان کردند و آن کتاب را به دست امامان بعدی رساندند و نیز رجال سلسله سند روایات شیعه، ائمه ی معصوم علیهم‌السلام هستند که به ترتیب، پسر از پدرش نقل نموده است و همه ی آن بزرگواران بر مبنای علم رجال اهل سنت نیز ثقه بوده و سند روایاتشان صحیح است و بر مبنای اعتقاد شیعه به عصمت آنها، آن بزرگواران هرگز اشتباهی در نقل روایت نمی کردند و هر چه هست مربوط به واسطه های نقل روایت از آن ها است که گفتیم: «به صورت مکتوب نقل روایت می کردند نه به صورت شفاهی و سینه به سینه». لذا تنها، می ماند بررسی وثاقت یا عدم وثاقت این راویان که در علم رجال به آن پرداخته شده است.

نکته ی دیگر اینکه در اواخر حکومت بنی امیه و اوایل حکومت بنی عباس ، امام باقر و امام صادق علیهماالسلام فرصت یافتند و بسیاری از احادیث صحیح نبوی را برای شاگردانشان بیان کردند و این کار تا زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام ادامه یافت که حاصل آن، اصول اربعمائة –چهار صد مجموعه مکتوب حدیثی– بود که مستقیماً توسط شاگردان ائمه علیهم‌السلام نوشته شده بود تا اینکه نویسندگان کتب اربعه، آن ها را به صورت منظم و طبقه بندی شده در آوردند.

دلیل چهارم: اثرات درمانی روایات طبی

در سال های اخیر با تحقیق بر اثرات درمانی روایات طبی به ویژه در درمان بیماری های لاعلاج و صعب العلاج آنقدر درمان دیده شده که طب مستقلی به نام طب اسلامی به وجود آمده و استقبال خوبی نیز از طرف بیماران شده است.[1]

---

[1] گفتنی است که این طب به صورت افراطی رویه ی اخباری گری پیش گرفته و همه ی روایات طبی را ولو بدون سلسله سند باشند، حجت می داند و بر اساس آن ها دارو ساخته و تجویز می کنند و جالب تر اینکه بر اساس آن ها به صورت اجتهادی برای امراض مختلف، داروی ترکیبی تجویز می کنند! هر چند کارایی بعضی از داروهای این طب به تجربه ثابت شده است؛ مانند داروی

حجیت روایات از منظر قرآن

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که می توان از آن ها حجیت روایت (نقل کردن خبر) را استنباط نمود که در اینجا به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم.

آیه ی اول: تأیید حجیت خبر شخص عادل

خداوند در قرآن کریم حجیت خبر شخص عادل را مورد تأیید قرار داده است، آنجا که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.﴾[۱]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید؛ مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.»

آیه می گوید: تحقیق و تبیّن در خبر «فاسق» لازم است، و مفهوم آن این است که اگر شخص «عادل» خبری دهد، بدون تحقیق می توان پذیرفت.

آیه ی دوم: تأیید خبر عالم و منذر دینی

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ .﴾[۲]

شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند.

طبق این آیه، مردم باید خبر طلبه های دینی را - هر چند به صورت خبر واحد و غیر متواتر - بشنوند و بترسند؛ پس خبر واحد آنان حجیت دارد.

امام کاظم (علیه السلام) برای تقویت سیستم ایمنی، داروی ترکیبی جامع امام رضا (علیه السلام) + مرزنجوش برای مشکلات تیروئیدی و ... اما بایسته و شایسته است که این داروها قبل از تجویز، مورد مطالعه ی و کارآزمایی علمی قرار بگیرند.

[۱] حجرات: ۶

[۲] توبه: ۱۲۲

آیه ی سوم: تصدیق مؤمنان توسط رسول خدا ﷺ

﴿وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ ۚ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّـهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ ۚ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّـهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.﴿[1]

«از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او آدم خوش‌باوری است!» بگو: «خوش‌باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می‌کند؛ و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند!» و آنها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند.»

طبق این آیه، رسول خدا ﷺ نقل قول ها و اخبار مؤمنان را تصدیق می کردند.

آیه ی چهارم: قبول خبر هدهد به شرط راستگو بودنش توسط سلیمان نبی ؑ

﴾فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ.﴿[2]

«چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام.»

﴾قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ.﴿[3]

(سلیمان) گفت: «به زودی می بینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی.»

در این آیه ، " کاذبین" به معنای دروغ گویان (نه "کذبت" به معنای دروغ گفتی) در مقابل "صدقت" به معنای راست گفتی به کار رفته است؛ یعنی اگر برای حضرت سلیمان ؑ از پیش، راستگو بودن هدهد محرز می شد، بی درنگ خبر او را باور می کرد؛ اما چون احوال او مجهول بود، صبر کرد تا ببیند راست گفته است یا از دروغگویان بوده است (؛ چون شخص با گفتن حتی یک دروغ، به گروه دروغگویان ملحق می شود).

ضمن اینکه از این آیه این مطلب نیز استنباط می شود که خبر راوی مجهول الحال نباید فورا کنار گذاشته شود و باید به آن نیز توجه نمود و درباره ی صحت و سقمش تحقیق کرد.

---

[۱] توبه: ۶۱

[۲] نمل: ۲۲

[۳] نمل: ۲۷

آیه ی پنجم: حجیت نوشته ی دارای دو شاهد مرد یا یک مرد و دو زن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ... وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ ۖ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ ۚ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۚ وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا ... .﴾[1]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد ... و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حقّ) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهیِ خود،) چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می باشد.»

بنابر این آیه، حجیت روایات مستفیض (روایاتی که راویانش در هر طبقه حداقل سه نفر باشند) ثابت میشود.

البته آیه ی بعدی اش سخن دیگری دارد و از آن چنین استنباط می شود که اگر وثاقت راویان قطعی بود، به حدیث غریب (روایتی که در هر طبقه تنها یک راوی باشد) نیز می توان اعتماد نمود.

﴿ وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ ۖ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ... .﴾[2]

«و اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد؛ و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد... .»

---

[۱] بقره: ۲۸۲

[۲] بقره: ۲۸۳

منابع و مآخذ

جهت سهولت دستیابی به مصادر، آن ها را طبقه بندی کردیم؛ بدین شکل که در اولویت اول از برنامه ی الجامع الکبیر استناد دهی کرده ایم و اگر کتاب مورد استناد ما در آن برنامه نبود، از سایت رسمی مکتبه شامله و اگر در آنجا نیز نبود، از نسخه ی الکترونیکی پی دی اف استفاده کرده ایم. در پاره ای از موارد نیز از منابع متفرقه استفاده کرده ایم که آن ها را در قسمت منابع متفرقه ذکر کرده ایم.

متفرقه

۱. القرآن الکریم، با ترجمه های سایت: http://tanzil.net
۲. برنامه الجامع الکبیر لکتب التراث العربی والاسلامی ؛ مرکز التراث للبرمجیات ؛ الأردن – عمان
۳. سایت برنامه ی شامله به آدرس: http://www.shamela.ws
٤. برنامه ی جوامع الکلم متعلق به سایت اسلام وب: http://gk.islamweb.net
٥. سایت موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج) به آدرس: https://www.valiasr-aj.com
٦. الصحیفة الکاملة السجادیة، الامام علی بن الحسین ، با ترجمه ی شیخ حسین انصاریان
۷. سایت سلامت أنلاین

پی دی اف

۸. تفسیر العثیمین المؤلف: محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفى: ١٤٢١هـ) الناشر: دار ابن الجوزی ، الطبعة الأولى ، رمضان ۱۴۳۰ هـ

سایت مکتبه شامله

۹. مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ٢٤١هـ) المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م

.١٠ سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ) الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف) عدد الأجزاء: ٦ عام النشر: جـ ١ - ٤: ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م جـ ٦: ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م جـ ٧: ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م

.١١ الحديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ) الناشر: مكتبة المعارف الطبعة: الطبعة الأولى ١٤٢٥هـ-٢٠٠٥م عدد الأجزاء: ١

.١٢ منزلة السنة في الإسلام المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ) الناشر: الدار السلفية - الكويت الطبعة: الرابعة - ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م عدد الأجزاء: ١

.١٣ أصل صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ) الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع - الرياض الطبعة: الأولى ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م

.١٤ مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز رحمه الله المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ١٤٢٠هـ) أشرف على جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشويعر عدد الأجزاء: ٣٠ جزءا

.١٥ مجموع فتاوى ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين المؤلف: محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى: ١٤٢١هـ) جمع وترتيب: فهد بن ناصر بن إبراهيم السليمان الناشر: دار الوطن - دار الثريا الطبعة: الأخيرة - ١٤١٣ هـ عدد الأجزاء: ٢٦

.١٦ أسباب نزول القرآن المؤلف: أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدي، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: ٤٦٨هـ) المحقق: عصام بن عبد المحسن الحميدان الناشر: دار الإصلاح - الدمام الطبعة: الثانية، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م

.١٧ فى رحاب السنة - الكتب الصحاح الستة ، ص ١٧ ، المؤلف: محمد بن محمد بن سويلم أبو شُهبة (المتوفى: ١٤٠٣هـ) ، الناشر: مجمع البحوث الاسلامية -الازهر - مصر ، الطبعة: الثامنة - ١٤١٥ هـ / ١٩٩٥م

.١٨ فتاوى اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق الدويش عدد الأجزاء: ٢٦ جزءا الناشر: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة للطبع - الرياض

الجامع الكبير

۱۹. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان اسم المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، دار النشر : مؤسسة الرسالة – بيروت – ۱٤۱٤ – ۱۹۹۳ ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط

۲۰. الأحاديث المختارة اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد الحنبلي المقدسي ، دار النشر: مكتبة النهضة الحديثة – مكة المكرمة – ۱٤۱۰ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الملك بن عبد الله بن دهيش

۲۱. مسند الإمام أحمد بن حنبل اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني ، دار النشر : مؤسسة قرطبة – مصر

۲۲. مسند أبي يعلى اسم المؤلف: أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي ، دار النشر : دار المأمون للتراث – دمشق – ۱٤۰٤ – ۱۹۸٤ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : حسين سليم أسد

۲۳. المستخرج على المستدرك للحاكم اسم المؤلف: عبد الرحيم بن الحسين العراقي أبو الفضل ، دار النشر : مكتبة السنة – القاهرة – ۱٤۱۰ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : محمد عبد المنعم رشاد

۲٤. فيض القدير شرح الجامع الصغير ، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوي ، دار النشر : المكتبة التجارية الكبرى – مصر – ۱۳۵٦هـ ، الطبعة : الأولى

۲۵. الجامع لأحكام القرآن اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي ، دار النشر : دار الشعب – القاهرة

۲٦. تفسير البحر المحيط اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي ، دار النشر : دار الكتب العلمية – لبنان/ بيروت – ۱٤۲۲هـ -۲۰۰۱م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : الشيخ عادل أحمد عبد الموجود – الشيخ علي محمد معوض، شارك في التحقيق ۱) د.زكريا عبد المجيد النوقي ۲) د.أحمد النجولي الجمل

۲۷. تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان اسم المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر السعدي ، دار النشر : مؤسسة الرسالة – بيروت – ۱٤۲۱هـ- ۲۰۰۰م ، تحقيق : ابن عثيمين

۲۸. البرهان في علوم القرآن اسم المؤلف: محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشي أبو عبد الله ، دار النشر: دار المعرفة – بيروت – ۱۳۹۱ ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم

۲۹. الإتقان في علوم القرآن اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي ، دار النشر : دار الفكر – لبنان – ۱٤۱٦هـ- ۱۹۹٦م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : سعيد المندوب

۳۰. مفتاح الجنة في الاحتجاج بالسنة ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي ، دار النشر : الجامعة الإسلامية – المدينة المنورة – ۱۳۹۹ ، الطبعة : الثالثة

٣١. سير أعلام النبلاء اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله ، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٣ ، الطبعة : التاسعة ، تحقيق : شعيب الأرناؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي

٣٢. تذكرة الحفاظ ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة : الأولى

٣٣. الآداب الشرعية والمنح المرعية ، اسم المؤلف: الإمام أبي عبد الله محمد بن مفلح المقدسي ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٧هـ - ١٩٩٦م ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط / عمر القيام

٣٤. الحجة في بيان المحجة وشرح عقيدة أهل السنة ، اسم المؤلف: أبو القاسم اسماعيل ابن محمد بن الفضل التيمي الأصبهاني ، دار النشر : دار الراية - السعودية / الرياض - ١٤١٩هـ - ١٩٩٩م ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : محمد بن ربيع بن هادي عمير المدخلي

٣٥. كتاب شرح السنة اسم المؤلف: الحسن بن علي بن خلف البربهاري أبو محمد ، دار النشر : دار ابن القيم - الدمام - ١٤٠٨ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد سعيد سالم القحطاني

٣٦. شرح العقيدة الطحاوية ، اسم المؤلف: ابن أبي العز الحنفي ، دار النشر : المكتب الإسلامي - بيروت - ١٣٩١ ، الطبعة : الرابعة

٣٧. الإحكام في أصول الأحكام ، اسم المؤلف: علي بن أحمد بن حزم الأندلسي أبو محمد ، دار النشر: دار الحديث - القاهرة - ١٤٠٤ ، الطبعة : الأولى

٣٨. كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس ، دار النشر : مكتبة ابن تيمية ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي

٣٩. مختصر الفتاوى المصرية لابن تيمية ، اسم المؤلف: بدر الدين أبو عبد الله محمد بن علي الحنبلي البعلي ، دار النشر : دار ابن القيم - الدمام - السعودية - ١٤٠٦ - ١٩٨٦ ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : محمد حامد الفقي

٤٠. المسودة في أصول الفقه ، اسم المؤلف: عبد السلام + عبد الحليم + أحمد بن عبد الحليم آل تيمية، دار النشر : المدني - القاهرة ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد

٤١. قواطع الأدلة في الأصول ، اسم المؤلف: أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار السمعاني ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٨هـ- ١٩٩٧م ، تحقيق : محمد حسن محمد حسن إسماعيل الشافعي

٤٢. الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزرعي الدمشقي ، دار النشر : دار الكتب العلمية – بيروت – ١٣٩٥ - ١٩٧٥

دیگر آثار نویسنده:

۱. کتاب امتداد رسالت (اثبات خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام از منابع معتبر اهل سنت)
۲. کتاب مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام (نگاهی نو به مدارک اهل سنت درباره غصب فدک و هجوم به خانه وحی)
۳. کتاب مهدویت از دیدگاه اهل سنت (پژوهشی در تطابق باورهای مهدوی فریقین از منابع معتبر اهل سنت)
۴. کتاب برترین صحابه (پژوهشی در مدارک برتری امیرالمومنین علیه السلام بر تمام صحابه از منابع معتبر اهل سنت)
۵. کتاب خلفا از نگاهی دیگر (پژوهشی در روایات معتبر مطاعن ابوبکر، عمر و عثمان از منابع معتبر اهل سنت)
۶. کتاب دفاع از صحابه (سیری در ادله ی عقلی، قرآنی، روایی و تاریخی در نقض تئوری عدالت صحابه)
۷. کتابچه اجر رسالت (پژوهشی پیرامون نزول آیه ی مودت در حق اهل بیت علیهم السلام از منابع معتبر اهل سنت)
۸. کتابچه مظلومیت امام حسن علیه السلام (نگاهی به مدارک ماجرای صلح و شهادت امام در منابع اهل سنت)

🔍مهم ترین ویژگی های این کتب:

❶ جمع آوری نظر همه ی عالمان و محققان سرشناس حدیث اهل سنت و وهابیت درباره ی سند روایات.

❷ جمع آوری همه ی طرق و اسناد روایات.

❸ استناد به احکام برنامه معتبر جوامع الکلم.

❹ سهولت دسترسی به منابع با تفکیک آن ها به چند قسمت برنامه ی الجامع الکبیر، سایت رسمی مکتبه شامله، pdf و متفرقه.

راه های ارتباط با ما:

ID: @Vesayat ✉ Vesayat@gmail.com 💻http://vesayat.blog.ir